۶۸۳۲ دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۳ ■ ۷ صفر ۱۴۴۶

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه

رخنه فیلم‌های پرخطر به خانه‌های ایرانی

نبود نظارت سازمان سینمایی بر فیلم‌هایی که در پلتفرم‌ها به نمایش درمی‌آید

این فضا را به مکانی برای جولان نفوذ فرهنگی و عرضه فیلم‌های مروج اندیشه صهیونیستی و ضدمقاومت اسلامی بدل کرده است

صفحه ۸

بازگشت الک رمزی با «اسب‌سیاه»

سریال خاطره‌انگیز نوجوانان دیروز بار دیگر راهی آنتن شده و هرروز از شبکه تماشا پخش می‌شود

۶

فرهنگ رانندگی با دست‌فرمان «سفر بخیر»

برنامه شبکه ۲ با اجرای سعید شیخ‌زاده قدم‌های موثری در مسیر کاهش تصادفات جاده‌ای برداشته است

۷

سینمای آفریقای جنوبی آماده برای تولید مشترک

آفریقای جنوبی نیاز زیادی به سرمایه‌گذاری دارد و این فرصت مناسبی برای تولیدات مشترک با این کشور است

۱۰

زاویه دید

آزاده‌ای که دنبال حقیقت بود

زندگی سلمان فارسی گرچه با برخی روایت‌های نادرست در طول تاریخ تحریف شده نشان‌دهنده سیمای مردی است که همه عمر جوهر حقیقت را جست‌وجو کرد و آن را یافت

هما شهرام‌بخت
گروه فرهنگ و هنر

این روزها سریال بزرگ «سلمان فارسی» توسط داوود میرباقری در حال تولید بوده و قرار است از سال ۱۴۰۵ پخش آن آغاز شود؛ سریالی که قصد دارد با حاشیه‌زدایی پیرامون این صحابه بزرگ پیامبر(ص) درباره اسلام آوردن ایرانیان روشنگری کند. به همین مناسبت در سالگرد بزرگداشت سلمان فارسی در هفتم ماه صفر نگاهی می‌کنیم به زندگی این بزرگ‌مرد اسلام و برخی از روایت‌هایی که پیرامون زندگی او شکل گرفته است.

امروز سالروز تولد سلمان فارسی، یکی از صحابه‌های مشهور پیامبر اکرم (ص) است. متون تاریخی او را اهل اصفهان یا شیراز، کازرون و رامهرز می‌دانند. بنا بر روایت‌هایی نام او پیش از آن‌که پیامبر او را سلمان بنامد، ماهبه یا روزبه و نام‌هایی از این دست بود. در آغاز زرتشتی، مانوی یا مندایی بود، ولی پس از چندی به طور اتفاقی گذرش به کلیسا افتاد و شیفته رازورزی ترسایان شد و به دین آنها گروید و به سرزمین شام آن زمان که مهد مسیحیت بود، پناه برد. او مدتی در آنجا سر کرد و سپس به موصل، نصیبین و سرزمین‌های مختلف مسافرت کرد و نزد اسقف‌های مسیحی به تعلیم و تربیت نفس پرداخت تا آن‌که به ظهور پیامبر آخرالزمان در سرزمین عرب بشارت داده شد. سلمان برای یافتن پیامبر(ص) به حجاز رفت و آنجا به بردگی درآمد و با دیدن نشانه‌های نبوت در پیامبر(ص)، به وی ایمان آورد و پیامبر او را از صاحبش خرید و بعد آزاد کرد و از یاران وفادار پیامبر شد.

سلمان از ما اهل بیت است

سلمان در جنگ‌های خندق و طائف نقش مهمی در پیروزی سپاه اسلام داشت. گفته می‌شود که وی پس از رحلت پیامبر، از بیعت با ابوبکر سرباز زد و گردنش زخمی شد و سرانجام برای آن‌که ناخشنودی خود از بیعت با ابوبکر را ابراز کند، دست چپ خود را به سوی او دراز کرد. با این‌که سلمان فارسی همواره از طرفداران حضرت علی (ع) محسوب می‌شد، در روزگار فرمانروایی عمر و عثمان در امور حکومتی و جنگ‌های مسلمانان به ویژه با ایرانیان مدائن، شرکت داشت. هنگام فرمانروایی‌اش بر مدائن که ۲۰ سال بود، از راه زنبیل‌بافی روزگار می‌گذراند. او به دلیل آشنایی با ادیان بزرگ به‌ویژه یهودیت و مسیحیت از این توانایی برخوردار بود که بیش از دیگران در مفاهیم آیات اندیشه کند و به تفسیر بپردازد. حتی گفته می‌شود که وی نخستین برگرداننده قرآن به فارسی بوده است.

بررسی تاریخی زندگی سلمان نشان می‌دهد پیامبر برای سلمان احترامی خاص قائل بود و چنان او را گرامی می‌داشت که چندین بار برای نشان دادن دوستی خود به سلمان و اهمیت وی جمله «سلمان منّا اهل‌البیت» از دهان مبارک‌شان خارج شد. این حدیث که برجای مانده در لابه‌لای صفحات تاریخ است، توجه حدیث‌شناسان و عارفان بسیاری را به خود جلب کرده است و آنها قرن‌ها پیرامون مفهوم چالش‌برانگیز آن تعمق و تدبر کرده‌اند. در عین حال برخی اختلاف نظرها درباره ماهیت این حدیث نیز وجود دارد که صرفا به پیروان شیعه و سنی محدود نمی‌شود. یکی از اختلاف‌های شیعیان و سنی‌ها در میان خود نداشتن اتفاق نظر درباره معنای اهل بیت در این حدیث است که ریشه در فهم‌های متفاوت دانشمندان مسلمان از این حدیث دارد. برخی از عالمان دینی معنای اهل بیت در ارتباط با سلمان را نسبت داده شدن برده یک قوم به آن قوم می‌داند. در این مورد راغب اصفهانی می‌گوید:«و پیامبر (ص) با سخن خود یادآوری کرده که نسبت دادن برده یک قوم به آن قوم، درست است. همچنان که فرمود برده قوم از ایشان است، و فرزند آن برده از خود آن قوم. بر اساس این رویکرد هر کس برده آزاد شده پیامبر باشد، از آن روی که با ایشان به گونه ولاء عتق (پیوند بر اساس آزادی که در مورد افرادی گفته می‌شود که قبلا برده بودند و بعد آزاد شده‌اند) پیوند دارد، می‌تواند از اهل بیت باشد.»

سلمان از منظر عارفان مسلمان

مرحوم طوسی و طبرسی این حدیث را چنین درک کرده‌اند که پیامبر، سلمان را پیرو دین اسلام می‌دانسته است. لویی ماسینیون که تحقیقات مفصلی درباره سلمان فارسی داشته، بر این باور است که «اشکالی ندارد که فکر کنیم پیغمبر، در کنار همکاران بزرگ سیاسی و آن همه هم‌پیمانان سودجو و مشکوک، دوستانی مطمئن همچون سلمان داشته که دلش به آنان نزدیک‌تر بوده است.» عارفان نیز همسوی با اهل حدیث دیدگاه مشابهی دارند. ملا محسن فیض کاشانی، از شاگردان بنام ملاصدرا، معتقد است که هر که خود را برای پیامبر و اهل بیتش خالص کند و دانشش را از آنان بگیرد و از آثارشان پیروی کند و از برخی اسرار آنان چنان آگاه گردد که استواری در دانش و آرامش در بینش برایش فراهم آید، چنین سعادتی منحصر به یک قوم نیست و اهل‌بیت برخی از یاران‌شان همچون سلمان را که مزین به چنین صفاتی بودند، از خودشان دانسته‌اند. ابن عربی نیز هم راستا با دیگر عارفان این حدیث را نشانگر طهارت سلمان دانسته است.

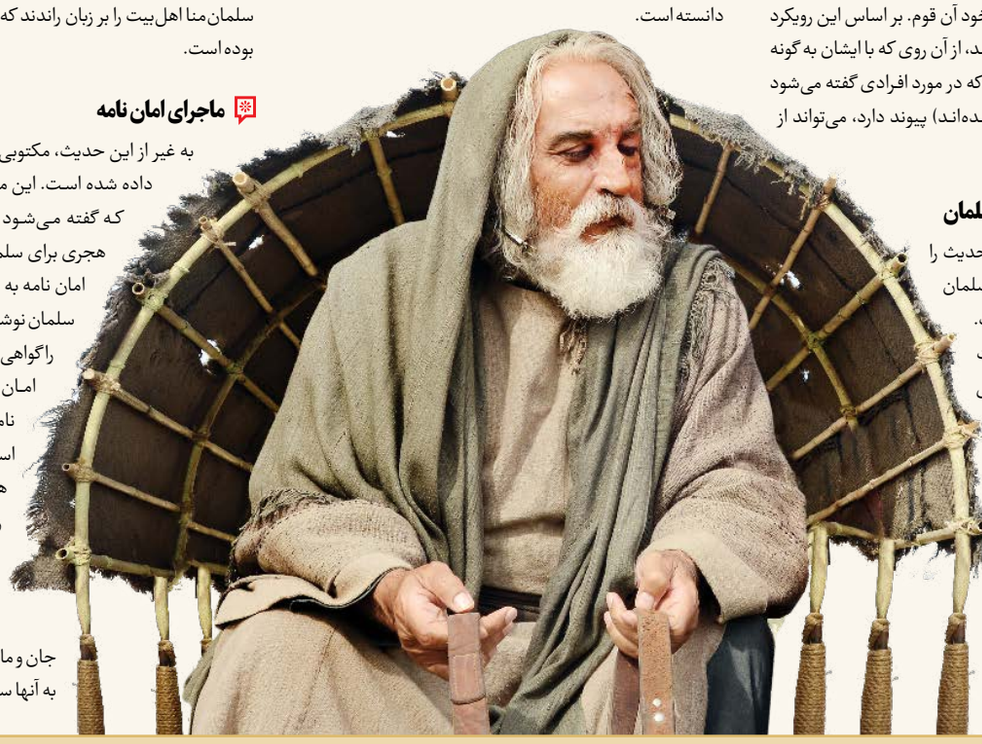

در عین حال بررسی‌ها نشان می‌دهد پیامبر در شرایطی سخن سلمان منا اهل‌البیت را بر زبان راندند که مسلمانان مهاجر و انصار، با دامن زدن دوباره به کشمکش‌های گروهی و بازگشت به عادات پلید روزگار جاهلی خود بودند و آموزه اصیل «إِنَّ أَكرمكم عند ا... أَتْقَاكم» (سوره حجرات، آیه ۱۳) و برتری ایمان بر ملاک‌های دوستی، خویشاوندی، تبار و نژاد را از یاد برده بودند. پیامبر(ص) با ایراد این حدیث خاطرنشان کرد که جایگاه اهل‌بیت از هر گروه و دسته‌بندی جداست. در عین حال گفته شده که پیامبر(ص) چندین بار سلمان منا اهل‌بیت را بر زبان راندند که یکبار آن در جنگ خندق بوده است.

ماجرای امان نامه

به غیر از این حدیث، مکتوبی نیز به پیامبر(ص) نسبت داده شده است. این مکتوب امان نامه‌ای است که گفته می‌شود پیامبر آن را در قرن نهم هجری برای سلمان فارسی صادر کرد. این امان نامه به خط حضرت علی(ع) برای سلمان نوشته شد و برخی از صحابه آن را گواهی کردند. برخی از سطور این امان نامه چنین است:... این نامه برای خاندان «سلمان» است، آنان در پناه خدا و من هستند و در هر سرزمینی زندگی می‌کنند، خواه بیابان‌های صاف و هموار باشد، یا کوهستان‌ها و چراگاه‌ها و چشمه‌سارها، جان و مال آنها محفوظ است، نباید به آنها ستم شود و برای آنها تنگنا و سختی به وجود آید. هر کس این نامه مرا از مرد و زن مؤمن می‌خواند، وظیفه دارد، خاندان سلمان را حفظ و احترام کند و هیچ‌گونه اذیت و ناراحتی برای آنان فراهم نیاورد، زیرا من آنان را از چیدن موی جلوی سر (که مربوط به کافران اسیر است)، جزیه (مالیاتی که مسلمانان از کافران و اهل ذمه می‌گرفتند)، پرداخت خمس، ده یک دارایی و سایر تکالیف مالی و اعمال سخت معاف داشته‌ام. اهل ایمان توجه داشته باشند، اگر خاندان سلمان چیزی از آنها درخواست کنند، حاجت آنان را برآورند، اگر پناه جویند، آنان را پناه دهند، اگر گرفتاری داشتند، گرفتاری آنان را برطرف کنند و اگر از جانب آنها بدی دیدند، آنان را مورد عفو و گذشت قرار دهند و اگر کسی به آنان آزار رساند از آنان دفاع کنند. در مورد انجام این وصیت که من دستور داده‌ام با خاندان سلمان و نسل آنان خوشرفتاری شود، کسی مخالفتی نکند، خواه آنان مسلمان شوند، یا کسی از آنان بر آیین خویش باقی بماند...

متن این عهدنامه در منابع گوناگون تاریخی با تفاوت‌هایی در اسامی شهود آمده است. کتاب تاریخی مجمل التواریخ و القصص (قرن ششم هـ.ق) از برادرزاده سلمان فارسی نام برده که اهل بدخشان یا شیراز بوده و عهدنامه‌ای داشته از پیامبر(ص) به مُهر ایشان و مُهر حضرت علی(ع)، ابوبکر، عمر و عثمان. نویسنده مجمل القصص متن امان نامه را ذکر می‌کند و بیان می‌دارد که شخصی در روزگار سلطان محمد بن ملکشاه این امان‌نامه را به وی نشان داد و مورد احترام مراجع رسمی قرار گرفت. تاریخ گزیده نیز این امان‌نامه را با چندی تفاوت، از جمله ضبط اسامی شهود آورده است. حمدا... مستوفی (قرن ۸ هجری) نویسنده تاریخ گزیده از خاندانی با عنوان سلمانیان نام می‌برد که در فارس زندگی می‌کردند و به سلمان منسوب بودند. حتی نویسنده فارسنامه ناصری در زمان قاجار نیز در کتاب خود از وجود طایفه سلمانیان در کازرون و قبرستان تاریخی آنان نام می‌برد.

تشکیک در یک روایت تاریخی

محمدرضا ترکی در تحقیقی مفصل صحت وجود این امان نامه را زیر سؤال برده و تنظیم چنین سندی از سوی پیامبر برای سلمان را دور از ذهن می‌داند. او با بررسی تاریخ سند با نویسنده فارسنامه ناصری همنوا می‌شود که تنظیم سندی پیش از فتوحات اسلامی‌که پس از رحلت پیامبر بوده، می‌بایست از سنخ خرق عادت و خبر از آینده توصیف شود. نکته دیگری که وی از نظر می‌گذراند، امان یافتن نسل اخلاف سلمان، حتی اگر مسلمان نباشند، است که این ادعا خود سایه تردید بر این امان نامه می‌افکند. نکته دیگر معاف شدن خاندان سلمان از پوشیدن «جز ناصیه» و پرداخت جزیه است. جز ناصیه، تراشیدن جلوی موی سر و پوشیدن لباسی خاص به‌وسیله اهل کتاب بوده است که در زمان پیامبر (ص) و حتی اهل بیت هنوز متداول نشده بود و در زمان حکومت‌های بعدی رواج پیدا کرد. تعلق گرفتن بیت‌المال به خاندان او و اختلاف بین اسامی شهود مهرکننده امان‌نامه در منابع مختلف از دیگر موارد عدم صحت تاریخی این امان‌نامه است. انتشار سه امان نامه با مضمون امان نامه فوق و با ترجمه فارسی و گجراتی در هند و ادعای برخی از پارسیان مبنی بر نسبت داشتن با سلمان از دیگر موارد شک برانگیز این امان نامه است.

شاهکار خندق

سلمان فارسی در طول تاریخ اسلام شخصیتی برجسته بوده است. او شخصیتی ارزشمند و مطلع بود که به پیامبر (ص) در فتوحات اسلامی کمک بسیاری کرده است. از برجسته‌ترین کارهای وی پیشنهاد به ساخته شدن خندق در جنگ احزاب بوده است. پیامبر(ص) به منظور آشکار کردن پرهیزکاری و خدمات سلمان فارسی و تأکید بر برتری انسان‌های باتقوا نزد خداوند متعال چندین بار خاطر نشان کردند که «سلمان از ماست». تاریخ اطلاعات چندانی از این شخصیت برجسته در اختیار ما قرار نمی‌دهد و همین امر موجب به وجود آمدن شبهات و احیانا نادرستی‌هایی درباره زندگی او شده است که به وجود آمدن امان‌نامه‌ای قرن‌ها پس از زندگی او را می‌توان از جمله این شبهات نامید. تعمق در این امان‌نامه این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که چطور فردی می‌تواند امان نامه‌ای از جنس معاف شدن از جزیه دریافت کند در حالی که هنوز فتوحات اسلامی صورت نگرفته و جزیه‌ای بر اهل کتاب مقرر نشده بود.